فصلنامه حقوق اداری
سال هشتم، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲۷

تحلیل خدمات عمومی از منظر حقوق بشر؛ حق بر بهره‌مندی از خدمات عمومی

مجید نجارزاده هنجنی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۶

چکیده

مقاله حاضر با جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و با به‌کارگیری روشی توصیفی و تحلیلی، در فضای دکترین حمایت از حقوق بشر، حاکمیت مسئول و نظریه تعهدات مثبت، به دنبال حمایت از مصادیق حقوق بشر در ادبیات خدمات عمومی است. چرا که بسیاری از مصادیق حقوق بشر بدون تدارک و مدیریت ارائه خدمات عمومی، قابلیت تحقّق ندارند. حق حیات، به عنوان اساسی‌ترین حق بشری، بدون ارائه خدمات عمومی، محتوایی جز «حق بر کشته نشدن» ندارد. این در حالی است که حق حیات، الزامات کیفی والاتری را در بر می‌گیرد؛ حقوق رفاهی مثل حق بر سلامت، حق بر خوراک، حق بر کار، حق بر آموزش و پرورش و... نیز بدون ارائه خدمات عمومی، قابل تحقّق نیستند. بر این اساس حمایت از حقوق بشر ایجاب می‌کند که ارائه و مدیریت خدمات عمومی به‌عنوان تعهّدی مثبت از سوی دولت‌ها تضمین گردد. با این رویکرد، الزام به ارائه خدمات عمومی، پشتوانه حقوق بشری خواهد داشت.

واژگان کلیدی: خدمات عمومی، حقوق بشر، حق حیات، حقوق رفاهی، حق بر توسعه

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران؛ majid.law63@yahoo.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

مقدمه

مقاله حاضر در فضای دکترین حمایت از حقوق بشر[1]، حاکمیت مسئول[2] و نظریه تعهدات مثبت[3] به‌دنبال حمایت از مصادیق حقوق بشر در ادبیات خدمات عمومی است؛ به عبارت دیگر، رویکرد مقاله حاضر، تحلیل خدمات عمومی از منظر حقوق بشر است. مبنای اصلی چنین رویکردی این واقعیت است که بسیاری از مصادیق حقوق بشر بدون ارائه خدمات متناسب از سوی دولت‌ها تأمین نخواهند شد و دولت‌ها در این خصوص مسئولیت دارند؛ چرا که تأمین بسیاری از مصادیق حقوق بشر نه تنها به صِرف تضمین اصل آزادی و مخصوصاً آزادی‌های اقتصادی و بازاری حاصل نخواهد شد، بلکه لازم است که دولت‌ها به ارائه خدمات عمومی پرداخته و یا بر ارائه آن توسط بخش خصوصی نظارتی فعّال اِعمال نمایند. در واقع تأمین بسیاری از مصادیق حقوق بشر با ارائه خدمات عمومی ملازمه و همبستگی دارند. بر این اساس می‌توان گفت حمایت از حقوق بشر در اغلب موارد جزئاً یا کلاً منوط به ارائه خدمات عمومی است و بنابراین در کنار تضمین قضایی حقوق بشر، می‌توان بحث ارائه خدمات عمومی را نوعی تضمین اجرایی حقوق بشر دانست؛ چه این که «در عصر نوین، دولت‌ها تنها به عدم دخالت در زندگی شهروندان متعهد نیستند، بلکه موظفند اجرای حقوق را نیز تضمین کنند» (ویژه، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

به‌نظر می‌رسد بدیع بودنِ این رویکرد به خدمات عمومی و حقوق بشر، به این علّت باشد که بیشترین تأکید حقوق بشر معاصر بر موضوعات مدنی و سیاسی بوده است. در حالی که عمده خدمات عمومی موضوعاً ناظر بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند. این غلبه، سبب دور شدن مباحث حقوق بشری از حوزه‌های عملیاتی حقوق داخلی در موضوع خدمات عمومی و محروم ماندن خدمات عمومی از پشتوانه‌های حقوق بشری شده است.

تحلیل خدمات عمومی از منظر حقوق بشر، سبب تزریق کیفیت‌ها و استانداردهای حقوق بشری به مدیریت عمومی می‌گردد.

البته تحلیل حقوق بشریِ خدمات عمومی فقط به نفع ادبیات خدمات عمومی و حقوق اداری نیست، بلکه این ارتباط، دو سویه است؛ همان‌گونه که خدمات عمومی از رهگذر تحلیل‌های حقوق بشری به پشتوانه نظری و عملیِ محکمی دست می‌یابند، ارائه تحلیل حقوق بشری از خدمات عمومی نیز سبب تضمین اجرای بسیاری از مصادیق حقوق بشر خواهد شد.

1. Protection of Human Rights
2. Responsible Sovereignty
3. Positive Obligations

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

به عبارت دیگر این نوع نگاه به خدمات عمومی، سبب می‌شود برخی ادّعاها[۱] راجع به غیرقابل دادخواهی بودنِ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تشکیک در حق بودن نسل دوم و سوم حقوق بشر تضعیف شود؛ به‌طور مثال دیدگاه برخی «...نئولیبرال‌ها که معتقدند حق‌های ناظر بر بازتوزیع درآمدها و مالکیت‌ها نه تنها فسادآورند، بلکه اصلاً حق نیستند و ناقض حق‌های حقیقی مثل حق مالکیت بوده و مانعی در راه اِعمال صحیح حقوق بشر هستند» (Hartley, 1988: 87).

بر این اساس، مقاله پیش‌رو در نظر دارد حقوق بشر را با رنگ و بویی اجتماعی و اقتصادی به عرصه‌های عملیاتیِ حقوق داخلی وارد کند و آن را از اتهام انتزاعی بودن خارج سازد. چه این که به اعتقاد برخی پژوهشگران «...در جامعه بین‌المللی بایستی قواعد و هنجارهای حقوق بشری را اجتماعی و سپس نهادینه و درونی کنند تا از این طریق مباحث مختلف حقوق انسانی از جمله نابرابری‌های اجتماعی در کانون توجه قرار گرفته و در نهایت در قالب قواعد و قوانین جدید بین‌المللی تجلّی یابند» (درخشه و سرخیل، ۱۳۹۳: ۳۹). بنابراین یکی دیگر از زمینه‌های این بحث، این واقعیت است که حقوق و آزادی‌ها بدون پشتوانه قدرت، در حدّ شعار باقی خواهند ماند و چه بسا به قول کارل یاسپرس[۲]، آزادی بدون قدرت، مساوی با هرج و مرج باشد (یاسپرس، ۱۳۷۲: ۱۱۸). اگر پشتوانه‌ای برای تضمین حقوق بشر وجود نداشته باشد، در بهترین حالت، آن حقوق اجرا نخواهند شد و در وضعیت مورد انتظار یاسپرس، تولید هرج و مرج خواهند کرد.

پیش‌شرط ارائه رویکرد فوق‌الذکر، تغییر نگرش به «انسان» به عنوان موضوع حقوق بشر است؛ در این راستا لازم است که از تعریف انسان به عنوان «موجودی اقتصادی» به برداشت نوینی از انسان، تحت عنوان «موجودی اجتماعی» تغییر نگرش دهیم؛ در این رویکرد، انسان صرفاً بر مبنای عقلانیت ابزاری سودمحور تحلیل نمی‌شود، بلکه عقلانیتی اخلاقی و جمع‌گرا، محور تحلیل حقوق او است؛ در چنین عقلانیتی، تأمین سعادت اخلاقی نوع بشر، محور حقوق بشر قرار می‌گیرد که مسئولیت‌هایی را در قبال حقوق او بر عهده دیگران از جمله دولت‌ها قرار می‌دهد (Habermas, 1971: 124). چرا که در کنار ارزش آزادی و شاید بیشتر و پیشتر از آن، ارزش برابری را مطرح می‌نماید.

۱. مفهوم خدمات عمومی و ویژگی‌های ماهوی و سازمانی آن

موضوع خدمات عمومی، رفع نیازهای عمومی است. «در خصوص خدمات عمومی، این موضوعی شناخته شده است که خدمات عمومی نمایانگر آن قسمت از شخصیت حقوقی دولت است که فعالیت مرتبط با منافع عمومی

---

۱. برای نمونه بنگرید به؛

Vierdag, E.G., The Legal Nature of the Rights Granted by the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Netherlands Yearbook of International Law, 1978

2. Karl Jaspers (1883-1969)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

را از رهگذر برآورده کردن نیازهای شهروندان، انجام می‌دهد» (Matei and Camelia, 2015: 983). این ارتباط به حدّی است که تأمین منافع عمومی را رکن محوری تعریف خدمات عمومی دانسته‌اند (Bilouseac, 2012: 239). بنابراین یکی از اصولی که متولّیان خدمات عمومی همواره باید مدّنظر قرار دهند این است که صرفاً باید در راستای منافع عمومی عمل کنند. در حقوق فرانسه نیز دکترین خدمات عمومی اساساً برای تأمین مفهوم منفعت عمومی ارائه و تبیین شده است (جلالی و کرمی، ۱۳۹۳: ۳۲۱).

همراهی مفهوم خدمت عمومی با نفع عمومی، سبب همراهی دیگری می‌شود و آن همراهی خدمت عمومی با حضور و مداخله دولت است؛ از آنجا که دولت نمی‌تواند نسبت به مسأله منافع عمومی بی‌تفاوت باشد، بلکه نسبت به تأمین آن و صیانت از آن مسئولیت دارد، در موضوع خدمات عمومی نیز که قرین منافع عمومی است، مسئولیت دارد[۱]. به این جهت، فرض اساسی در تئوری‌های خدمات عمومی این است که با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی این خدمات و ارتباط ناگسستنی آن‌ها با منافع عمومی، ارائه مطلوب و مدیریت بهینه آن‌ها بدون حضور و مداخله دولت، غیرممکن است (زارعی و نجارزاده هنجنی، ۱۳۹۶: ۱۴۱). بنیانگذار نظریه خدمات عمومی، لئون دوگی نیز معتقد است که خدمات عمومی دارای چنان ماهیتی است که نمی‌تواند کاملاً به واقعیت بپیوندد مگر با مداخله نیروی حکومتی. چه این که مبنای اعطای حاکمیت به دولت، ارائه خدمات عمومی است و خدمت عمومی، مأموریت اصلی اداره است (Bilouseac, 2012: 238). البته دخالت دولت در ارائه خدمات عمومی به عنوان ویژگی سازمانی خدمات عمومی، به معنای انحصار خدمات عمومی در بخش دولتی و عدم امکان تصوّر ارائه خدمات عمومی توسط بخش خصوصی نیست. دخالت دولت در ارائه خدمات عمومی، الزاماً دخالتی تصدّی‌گرانه نیست؛ در واقع دولت یا متصدّی مستقیم خدمات عمومی است و یا بر ارائه خدمات عمومی نظارت عالیه اِعمال می‌کند. بنابراین «شرکت‌های خصوصی، نهادهای در مالکیت دولت و تحت مدیریت بوروکراتیک دولت و یا ترکیبی از این دو می‌توانند خدمات عمومی را ارائه دهند» (Cabrol et al, 2013: 8). به این ترتیب هر چند در گذشته «ارائه خدمات عمومی، یکی از وظایف کلیدی بخش عمومی بوده است» (Ngowi, 2008: 98)، اما امروزه بخش خصوصی نیز در ارائه خدمات عمومی وارد شده و مسئولیت‌هایی را عهده‌دار است. این تحول، مفهوم خدمات عمومی را نیز با تحول همراه کرده است[۲].

---

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک؛
رحمت‌اللهی، حسین و نجارزاده هنجنی، مجید، "مبانی لزوم اِعمال حاکمیت دولت بر بنگاه‌های خصوصی‌شده متولّی خدمات عمومی"، دو فصلنامه حقوق اداری، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۱۳-۱۳۰

۲. برای دیدن مفهوم نوین خدمات عمومی رک؛
زارعی، محمدحسین و نجارزاده هنجنی، مجید، "مفهوم خدمات عمومی و تحوّل آن در پرتو دکترین خدمات عمومی"، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۹، شماره ۵۶، پائیز ۱۳۹۶، صص ۲۳-۹

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

۲. کارکرد استراتژیک خدمات عمومی

با توجه به ارزش کارکردی خدمات عمومی که همانا رفع نیازمندی‌های عمومی است، نارسائی در نظام ارائه خدمات عمومی و ناکارآمدی این نظام، تبعات گسترده و پیچیده‌ای برای حکومت خواهد داشت. مخصوصاً «...در صورت خصوصی‌سازی و عدم اِعمال حاکمیت دولت بر بنگاه‌های خصوصی‌شده متولّی خدمات عمومی، آسیب‌هایی جدی متوجه منافع عمومی خواهد شد» (رحمت‌اللهی و نجارزاده هنجنی، ۱۳۹۵: ۱۱۷). چرا که عدم پاسخ به نیازها و مطالبات عمومی مردم، از یک‌سو منجر به مختل شدن نظم عمومی می‌شود و از سوی دیگر نشان از عدم کارآمدی حکومت است. این مهم، سبب کاهش اعتماد مردم به حکومت نیز خواهد شد. به بیان دیگر، اگر نظام خدمات عمومی نتواند پاسخ مطلوبی به خواسته‌های مردم بدهد، اعتماد عمومی تحلیل خواهد رفت؛ برخی اندیشمندان مدیریت دولتی، ارائه خدمات عمومی با کیفیتِ پایین را از علل کاهش اعتماد عمومی دانسته‌اند (Thomas, 1998: 14). همان‌گونه که «نقش یک‌جانبه دولت در عرصه‌هایی مثل دفاع ملی، دیپلماسی، قضاوت، امور انتظامی و مجازات مجرمین، توجیهی مبنایی برای مشروعیت دولت پدید می‌آورد» (Jing, 2010: 266)، نارسایی در ارائه خدمات عمومی و ناکارآمدی آن نیز سبب کاهش اعتماد عمومی می‌شود. چه این که «امروزه کارآمدی دولت‌ها و در افقی وسیع‌تر، مشروعیت دولت‌ها، در نحوه ارائه خدمات عمومی ارزیابی می‌شود» (Peters, 1996: 55).

در تعاریف ارائه شده برای اصطلاح «اعتماد عمومی» نیز می‌توان اهمیت پاسخ به نیازهای عمومی را مشاهده کرد؛ طبق یک تعریف، اعتماد عمومی عبارت است از «...انتظار عموم از دریافت پاسخ مثبت به خواسته‌هایشان از طرف متولّیان امور عمومی» (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰: ۹). از آنجا که «اعتماد عمومی، رکن رکین حاکمیت هر نظام سیاسی و مبنای مشروعیت آن است» (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰: ۲۲)، کاهش اعتماد عمومی، مشروعیت نظام سیاسی و حاکمیت را با چالش مواجه خواهد کرد. دولتی که از ارائه مطلوب خدمات عمومی به مردم ناتوان و عاجز باشد، کارآمدی خود را از دست داده و بالمآل مشروعیت نخواهد داشت (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۹). چرا که «ویژگی یک دولت، تنها در توانایی‌های آن بر اِعمال قدرت نیست، دولت در کنار قدرت، نیازمند صلاحیت و توانمندی برای حل مشکلات و تأمین نیازمندی‌ها است. اگر در گذشته وظیفه اصلی دولت، تأمین آزادی، امنیت و عدالت بود و با ادعای تأمین این موارد دولت تلقی می‌شد، در جهان به هم پیوسته امروز، تأمین نیازمندی‌های حداقلی شهروندان اهمیتی برابر با سه عنصر قبلی یافته است» (امیر ارجمند و همتی، ۱۳۸۶: ۴۴). به عبارت دیگر اگر دولتی توانایی انجام این خدمات را نداشته باشد و نداند که چگونه این خدمات را به انجام برساند، شایستگی دوام و بقاء ندارد (Peters, 1996: 57). با چنین رویکردی، رادشلدرز[1] تصریح نموده است که بقاء حکومت‌ها، وابسته است به توانایی آن‌ها در بسیج

1. Jos Raadschelder

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

ظرفیت‌ها و منابع به منظور انعکاس نیازهای شهروندان و رسیدگی به آن‌ها در قالب اقدامات جمعی (Raadschelders, 1999: 288).

۳. خدمات عمومی کارآمد از شاخصه‌های الگوی حکمرانی خوب

حکمرانی خوب، الگویی است که با گذر از اندیشه «حکومت و حاکمیت»، توسعه پایدار و همراه با تضمین حقوق بشر را از رهگذر شکل‌گیری رابطه سه جانبه میان دولت، بازار و جامعه مدنی ممکن می‌داند و در این مسیر بیشترین تأکید را بر حاکمیت قانون، پاسخگویی، مشارکت‌جویی، شفافیت، اثربخشی و کارآمدی دارد. فلذا می‌توان گفت این الگو بر مبنای تضمین حقوق بشر در فرآیند «حکمرانی» طراحی شده است. چه این که «...تضمین حقوق بشر را می‌توان مهم‌ترین سنجه و معیار حکمرانی خوب به شمار آورد» (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

در الگوی حکمرانی خوب، در کنار تأکید بر حقوق بشر، بر مشارکت جامعه مدنی، بازار و دولت در رفع نیازمندی‌های عمومی، تأکید می‌شود؛ چرا که باید «...بتوان از همه ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی استفاده نمود تا تولید و ارائه خدمات عمومی را حداکثر ساخت» (حبیب‌زاده و سیفی، ۱۳۹۲: ۱۶). به این ترتیب، یکی دیگر از شاخصه‌های الگوی حکمرانی خوب، ارائه خدمات عمومی کارآمد است؛ بانک جهانی در گزارش منتشره در سال ۱۹۸۹ در اولین تعریف ارائه‌شده از حکمرانی خوب، آن را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف نموده بود (Stowe, 1992: 391). همچنین کمیته مشورتی سازمان ملل راجع به سؤالات و برنامه (CCPOQ)[1] در سال ۲۰۰۰ معیارها و شاخص‌هایی را برای حکمرانی خوب جهت همکاری با سازمان ملل طراحی نمود که مدیریت ارائه خدمات عمومی یکی از آن‌ها است. به این اعتبار الگوی حکمرانی خوب از رهگذر تأکید بر ارائه خدمات عمومی، اهدافی مثل کاهش فقر و تحقّق رفاه، حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار را دنبال می‌کند. بنابراین «حکمرانی خوب مستلزم وجود فرآیندها و نهادهایی است که حاصل آن تأمین نیازهای جامعه توأم با بهترین استفاده از منابعِ در دسترس می‌باشد» (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

علاوه بر تأکیدات مستقیم ادبیات حکمرانی خوب بر ارائه خدمات عمومی کارآمد، برخی مولّفه‌های دیگر این الگو نیز به صورت غیرمستقیم به خدمات عمومی مرتبط هستند. به طور مثال برخی پژوهشگران، «کارآمدی» را به عنوان یکی از مولفه‌های الگوی حکمرانی خوب، شاخصی دانسته‌اند که «...کیفیت ارائه خدمات عمومی... را نشان می‌دهد» (بشیری و شقاقی شهری، ۱۳۹۰: ۷۷). برخی نیز با اشاره به شاخص «مشارکت‌جویی» تأکید کرده‌اند که دولت باید با استفاده از توان بازار و بخش خصوصی «...نقش میانجی

1. The UN Consultative Committee on Program and Questions

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

در مصالح عمومی و اثربخشی و پاسخگویی در ارائه خدمات عمومی داشته باشد» (قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۸۸). بنابراین «الگوی حکمرانی خوب می‌تواند نظریه‌ای نوین در پاسخگویی به انتظارات و مسئولیت‌های جدید باشد. الگویی که می‌تواند راه برون‌رفت از وضعیت فعلی و روشی برای ارائه خدمات عمومی بهتر باشد. از این رو توجه و تعمّق در الگوی یاد شده، کمک زیادی به یافتن ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در ارائه خدمات عمومی بهتر خواهد نمود» (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۴).

٤. منابع حق بر بهره‌مندی از خدمات عمومی

٤-١. تفسیر ایجابی از حق حیات؛ خدمات عمومی به مثابه لازمه تضمین حیات انسانی

«حیات» بستر موضوعی حقوق و آزادی‌های انسانی است. به این معنا که بهره‌مندی از تمام مصادیق حقوق بشر، منوط به حیات انسان است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۳ مقرر نموده است که «هرکس، حق حیات... دارد». ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، تحدید حق حیات را به‌طور کلی برخلاف موضوع و هدف میثاق دانسته است. کمیته حقوق بشر نیز حق حیات را به عنوان یک حق بی‌نهایت مهمِ انسان که حتی در وضعیت‌های اضطراری هم نمی‌تواند نقض شود به رسمیت شناخته است[1]. بنابراین «نظام حقوق بشر در تحلیلی نهایی به مقوله‌ای واحد به نام حیات بشری می‌رسد» (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۲: ۴۸). بر این اساس می‌توان گفت «حق حیات» مهم‌ترین حق انسانی است و تبعاً «...مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه دولت‌ها و کارکرد اولیه آن‌ها حفظ و حراست از حیات آدمی است» (رهامی، ۱۳۹۳: ۱۸۹).

حق حیات در مفهوم حداقلیِ آن و در قامت یک آزادی منفی، عبارت است از حق «کشته نشدن» که مصداقی از نسل اول حقوق بشر (حقوق مدنی و سیاسی) است. چه این که ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی[2] که ناظر بر حق حیات است، این حق را حول محور ممنوعیت سلب حیات به‌صورت خودسرانه و

---

1. Human Rights Committee, General Comment 29 on State of Emergency. 2001. U.N. Don. CCpr/c/21/Rea.1/Add.11

۲. ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: «۱. حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد. ۲. در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جائز نیست مگر در مورد مهم‌ترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جنایت که آن هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون‌های راجع به جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته‌جمعی منافات داشته باشد. اجرای این مجازات جایز نیست مگر به موجب حکم قطعی صادر از دادگاه صالح. ۳. در مواقعی که سلب حیات تشکیل‌دهنده جرم کشتار دسته‌جمعی باشد چنین معهود است که هیچ‌یک از مقررات این ماده دولت‌های طرف این میثاق را مجاز نمی‌دارد که به هیچ‌نحو از هیچ‌یک از الزاماتی که به موجب مقررات کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته‌جمعی تقبل شده انحراف ورزند. ۴. هر محکوم به اعدامی حق خواهد داشت که در خواست عفو یا تخفیف مجازات بنماید. عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

محدودیت‌های مجازات اعدام تبیین نموده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل بیست و دوم بر همین معنای سلبی تأکید دارد: «...جانِ... اشخاص از تعرّض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

این مفهومِ حداقلی از حق حیات «...که در ابتدا در معنای ممنوعیت کشتن خودسرانه به کار بسته می‌شد، به تدریج توسعه یافت و مشتمل بر طیف وسیعی از ابعاد حمایتی... شده است» (زمانی و غریب‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۲۰). در واقع امروزه معنای حداکثری حق حیات، ناظر بر بهره‌مندی از لوازم حیات است که به‌مثابه حقی مثبت و از جنس نسل دوم و حتی نسل سوم حقوق بشر تلقی خواهد شد که مستلزم مداخله ایجابی دولت است. بر این اساس بند ۱ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی پس از بیان این که «هر انسانی به طور ذاتی حق حیات دارد...» مقرّر نموده است که «...این حق باید به وسیله قانون محافظت گردد...». در واقع از آنجا که بهره‌مندی و اجرای کامل حقوق مدنی و سیاسی ملازمه‌ای منطقی با مداخله حمایتی دولت از باب تعهد به حمایت دارد (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۲: ۵۴)، بهره‌مندی از حق حیات نیز با مداخله حمایتی دولت‌ها ملازمه دارد.

در این رویکرد ایجابی به حق حیات، حاکمیت موظف است در راستای تضمین حیات افراد انسانی با به‌کارگیری همه امکانات و توانایی‌های داخلی و بین‌المللیِ خود، به ارائه خدمات بپردازد تا به جهت فقدان برخی امکانات و خدمات، حیات افراد به خطر نیفتد. به طور مثال، فقدان و یا کمبود آب و غذای سالم و بهداشتی، مسکن مناسب، امنیت و... سبب به خطر افتادن حیات گروه‌های محروم نشود. با چنین رویکردی به حق حیات، حق بهره‌مندی از خدمات بهداشتی و درمانی، حق کار، حق مسکن، حق غذا، حق بر محیط زیست سالم، حق بر صلح و توسعه و... ذیل حق حیات قابلیت تحلیل خواهند داشت. چرا که بهره‌مندی از حق حیات مستلزم بهره‌مندی از محیط زیست سالم، آب آشامیدنی سالم، غذای کافی، کار شایسته، مسکن مناسب، خدمات درمانی و بهداشتی مناسب و... است. بنابراین حق حیات، خدمات عمومی متناسبی را می‌طلبد. بر این اساس کمیته حقوق بشر در اظهارنظر عمومی شماره ۴ درباره مفهوم حق حیات اعلام نموده است که «حق ذاتی حیات به طور مناسب در یک برداشت مضیَّق درک نمی‌شود و حمایت از این حق نیازمند این است که دولت‌ها اقدامات مثبتی را اتخاذ نمایند»[1].

مجازات اعدام در تمام موارد ممکن است اعطا شود. ۵. حکم اعدام در مورد جرائم ارتکابی اشخاص کمتر از هیجده سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست. ۶. هیچ‌یک از مقررات این ماده برای تأخیر یا منع الغاء مجازات اعدام از طرف دولت‌های طرف این میثاق قابل استناد نیست».

1. The UNGA Human Rights Commentary on the Right to Life, 1982, Supra note 40 and Para 5 at General Comment No.6. U.N. Doc. A/37/40

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

فراتر از ارتباط میان حق حیات و خدمات مرتبط با تضمین حیات که بیشتر ناظر بر تضمین حیات فیزیکی و مادّی انسان‌ها است، امروزه حقوق بشر به تضمین بُعد غیرمادّی حیات نیز توجه دارد. به عبارت دیگر صِرف زنده ماندن و زنده بودن، محتوای حق حیات نیست، بلکه چگونگیِ زندگی کردن و کیفیت حیات نیز ذیل حق حیات قابل تحلیل است. به‌عبارت دیگر «امروزه حق حیات، تنها حق حیات فیزیکی نیست، بلکه شامل کیفیت حیات نیز می‌گردد» (امیرارجمند و همتی، ۱۳۸۶: ۳۹). در مبحث بعدی به این موضوع بیشتر پرداخته خواهد شد.

۲-٤. خدمات عمومی؛ لازمه تحقّق حق بر رفاه (حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی)

حق بر رفاه و بهره‌مندی از استانداردهای مناسب زندگی به عنوان یکی از مصادیق نسل دوم حقوق بشر، حقی کلی و جامع است که دربرگیرنده حقوق متعدّدی است. این جامعیت هم در اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منعکس شده است؛ طبق بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هرکس حق دارد از سطح معیشتی کافی برای سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری بهره‌مند گردد...». همچنین طبق بند ۱ ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی و همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند...». قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ابتدا در بند ۱۲ اصل سوم بر «...ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» تأکید نموده است و سپس در اصل چهل و سوم، اولین ضابطه اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را «تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه» دانسته است. بنابراین قانون اساسی ایران نیز حق حیات را به حق بر کشته نشدن و مصونیت جان اشخاص از تعرّض (مندرج در اصل بیست و دوم قانون اساسی) محدود نکرده است و با پیش کشیدن بحث «تأمین نیازهای اساسی» به بُعد ایجابی حق حیات (حق بر رفاه و بهره‌مندی از استانداردهای کیفی حیات) نیز نظر داشته است.

پُر واضح است که تحقّق ابعاد مختلف حق بر رفاه و بهره‌مندی از استانداردهای کیفی زندگی، مستلزم ارائه خدمات متنوّعی از سوی دولت‌ها است. به عبارت دیگر بدون اتخاذ تدابیر متنوّع خدمات‌رسانی در موضوعات و حوزه‌های مختلف، این حق تأمین و تضمین نخواهد شد. به همین جهت قسمت اخیر بند ۱ ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصریح نموده است که «...کشورهای طرف این میثاق

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

به منظور تأمین تحقّق این حق، تدابیر مقتضی اتخاذ خواهند کرد...». با توجه به این مقرره، مهم‌ترین «تدبیر مقتضی» برای تأمین تحقّق چنین حق‌هایی، ارائه و مدیریت خدمات متناسب و متعدّد است.

با توجه به کلیّت حق بر رفاه و تعدّد ابعاد آن، لازم است که مهم‌ترین ابعاد آن به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرند؛

۳-٤. خدمات عمومی؛ لازمه تحقّق حق بر سلامت

یکی از مهم‌ترین نیازهای عمومی در هر جامعه‌ای، دریافت خدمات بهداشتی، مراقبتی و درمانی است که شاخصی مهم در سنجش و ارزیابی سطح رفاه است. بر این اساس، نظام حقوق بشر به شناسایی «حق بر سلامت» پرداخته است. چه این که با توجه به مبنای بنیادین حقوق بشر (حیثیت و شرافت انسانی)، «سلامتیِ انسان یکی از لوازم اولیه برخورداری از حیاتی شرافتمندانه محسوب می‌شود...» (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۲: ۴۸).

طبق بند ۱ ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، «کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را در بهره‌مندی از بهترین وضع سلامت جسمی و روحی ممکن‌الحصول به رسمیت می‌شناسند». بر این اساس بند ۲ این ماده تدابیر اتّخاذی و اقدامات دولت‌ها برای استیفای این حق را شامل موارد زیر دانسته است؛

«الف. تقلیل میزان مرده متولّد شدن کودکان، مرگ و میر کودکان و رشد سالم آن‌ها.

ب. بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات.

ج. پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه‌گیر، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها و همچنین مبارزه علیه این بیماری‌ها.

د. ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری».

اجرای تدابیر فوق‌الذکر و اقدام در راستای تحقّق آن‌ها، نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح خدمات بهداشتی و درمانی است. فلذا بهره‌مندی از خدمات بهداشتی و درمانی به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق خدمات عمومی دارای پشتوانه‌ای حقوق بشری است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بند ۱۲ اصل سوم بر «بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه بهداشت» تأکید دارد. همچنین اصل بیست و نهم، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی را حقی همگانی دانسته و دولت را نسبت به تأمین آن برای یک‌یک افراد کشور موظف نموده است. بند ۱ اصل چهل و سوم نیز بر تأمین نیاز به بهداشت و درمان

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

تأکید دارد. بنابراین زمینه‌های بنیادینِ هنجاری در خصوص حق بر سلامت در نظام حقوق اساسی ایران فراهم است.

٤-٤. خدمات عمومی؛ لازمه تحقّق حق بر خوراک

«فراغت از گرسنگی» به عنوان یک حق اساسی، روی دیگر سکه «حق بر خوراک» است. طبق بند ۲ ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «کشورهای طرف این میثاق با اذعان به حق اساسی هرکس به این که از گرسنگی فارغ باشد، منفرداً و از طریق همکاری بین‌المللی تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخصی به قرار ذیل اتخاذ خواهند کرد:

الف. بهبود روش‌های تولید و حفظ و توزیع خواروبار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعه اصول آموزش تغذیه و با توسعه یا اصلاح نظام زراعتی به نحوی که حداکثر توسعه مؤثر و استفاده از منابع طبیعی را تأمین نمایند.

ب. تأمین توزیع منصفانه ذخایر خواروبار جهان بر حسب حوایج با توجه به مسائل کشورهای صادرکننده و واردکننده خواروبار».

تأمین حق بر خوراک، همان‌گونه که مقرّره فوق بیان داشته است، مستلزم اتّخاذ تدابیر و انجام اقداماتی از قبیل بهبود روش‌های تولید، حفظ و توزیع مواد غذایی، آموزش تغذیه، توسعه و اصلاح نظام زراعتی است. این اقدامات به عنوان تکلیف حقوق بشریِ دولت‌ها چیزی نیست جز مدیریت خدمات عمومی مرتبط با این موضوع. بنابراین ارائه و مدیریت خدمات عمومی مرتبط با تولید، نگهداری و توزیع منصفانه مواد غذایی در سطح کشور، آموزش تغذیه و اصلاح نظام کشاورزی در راستای حمایت از شهروندان در مقابل سوءتغذیه، مصداقی از حقوق بشر است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در بند ۱۲ اصل سوم بر لزوم بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه تغذیه و بند ۱۳ این اصل نیز بر تأمین خودکفایی در کشاورزی تأکید دارد. همچنین بند ۱ اصل چهل و سوم بر تأمین نیاز به خوراک و بند ۹ این اصل بر افزایش تولیدات کشاورزی و دامی که نیازهای عمومی را تأمین کند، تأکید نموده است. بنابراین زمینه‌های بنیادینِ هنجاری در خصوص حق بر خوراک در نظام حقوق اساسی ایران فراهم است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

٥-٤. خدمات عمومی؛ لازمه تحقّق حق بر کار

یکی از حقوق اقتصادی و اجتماعی بشر، حق بر کار است. این حق مصادیق جزئی متنوّع و متعدّدی دارد که آزادی انتخاب شغل (ممنوعیت کار اجباری)، امنیت شغلی (مصونیت شغل از تعرّض)، حق بهره‌مندی از دستمزد (ممنوعیت بیگاری)، حق بهره‌مندی از محیط کار ایمن و بهداشتی، حق بر مرخصی، حق بر تعطیلی هفتگی، حق بر محدودیت ساعات کار و... نمونه‌هایی از این مصادیق‌اند.

طبق بند ۱ ماده ۶ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «کشورهای طرف این میثاق حق کارکردن را که شامل حق هر کس است به این که فرصت یابد به وسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌نماید معاش خود را تأمین کند، به رسمیت می‌شناسند و اقدامات مقتضی برای حفظ این حق معمول خواهند داشت». در این مقرره، پس از شناسایی حق آزادی انتخاب شغل بر لزوم انجام اقدامات مقتضی برای حفظ این حق تأکید شده است. تحقّق این دو موضوع، مستلزم اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و انجام اقدامات مناسب در راستای اشتغال‌زایی و ایجاد فرصت‌های شغلی و ارائه خدمات کاریابی است. چه این که بند ۲ ماده ۶ میثاق فوق‌الاشعار تصریح نموده است که «اقداماتی که کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین اِعمال کامل این حق به عمل خواهند آورد باید شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه‌ای و طرح برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها و تدابیر فنی باشد که از لوازم تأمین توسعه مداوم اقتصادی ـ اجتماعی و اشتغال تام و مولّد تحت شرایطی است که آزادی‌های اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ نماید». این اقدامات (راهنمایی، تربیت فنی و حرفه‌ای و...) مستلزم تجهیز و ارائه خدمات عمومی مرتبط است. به عبارت دیگر، بدون ارائه خدمات متناسب از سوی دولت‌ها، حق انتخاب آزادانه شغل و امنیت شغلی محقق نخواهد شد.

بهره‌مندی از سایر حقوق کار نیز همین حکم را دارد؛ طبق ماده ۷ میثاق فوق‌الاشعار، «کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتّع عادلانه و مساعد کار که به ویژه متضمّن مراتب زیر باشد به رسمیت می‌شناسند:

الف. دستمزدی که لااقل امور ذیل را برای کلیه کارگران تأمین نماید:

مزد منصفانه و اجرت مساوی برای کار با ارزش مساوی بدون هیچ نوع تمایز به ویژه این که زنان تضمین داشته باشند که شرایط کار آنان پائین‌تر از شرایط مورد استفاده مردان نباشد و برای کار مساوی، مزد مساوی با مردان دریافت دارند.

مزایای کافی برای آنان و خانواده‌شان طبق مقررات این میثاق.

ب. ایمنی و بهداشت کار.

ج. تساوی فرصت برای هر کس که بتواند در خدمت خود به مدارج مناسب عالی‌تری ارتقاء یابد، بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه ملاحظات دیگری جز سابقه خدمت و لیاقت.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

د. استراحت، فراغت و محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی ادواری با استفاده از حقوق و همچنین مزد ایام تعطیل رسمی».

به تجربه ثابت شده است که روابط آزاد قراردادی و منطق بازار در تأمین این اهداف، نارسائی دارد. فلذا تحقّق این حقوق نیازمند نظارت مستمر حاکمیت بر قراردادهای کار و کارگاه‌ها و برخورد مناسب با کارفرماهای متخلّف است که از طریق انجام بازرسی‌های حقوقی، فنی، حفاظتی و بهداشتی و رسیدگی به شکایات کارگران از حیث نقض این حقوق به عمل خواهد آمد که طبعاً بدون تدارک خدمات متناسب از سوی دولت‌ها محقّق نخواهد شد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص تمهید مقدّمات انتخاب آزادانه شغل ابتدا در بند ۱۲ اصل سوم بر رفع هر نوع محرومیت در زمینه کار به عنوان یکی از وظایف دولت و سپس در بند ۲ اصل چهل و سوم بر «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه» به عنوان یکی از ضوابط استقلال اقتصادی و ریشه‌کنی فقر تأکید نموده است. بند ۳ و ۴ این اصل نیز در خصوص محدودیت ساعات کار، رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری تصریح دارند. همچنین اصل بیست و دوم قانون اساسی بر مصونیت شغل اشخاص از تعرض (امنیت شغلی) تأکید کرده است. بنابراین گذشته از برخی تعرّضات صورت گرفته نسبت به امنیت شغلی جامعه کارگری، زمینه‌های بنیادینِ هنجاری در خصوص حق بر کار در نظام حقوق اساسی ایران فراهم است.

٦-٤. خدمات عمومی؛ لازمه تحقّق حق بر آموزش و پرورش

طبق ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هرکس حق تحصیل دارد. تحصیل لااقل در مراحل ابتدایی و پایه باید رایگان باشد. تحصیلات ابتدایی باید اجباری باشد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید در دسترس عموم قرار گیرد و آموزش عالی باید برای همه و بر اساس شایستگی در دسترس باشد». در این راستا ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرّر داشته است که؛

«۱. کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند...

۲. کشورهای طرف این میثاق اذعان دارند که به‌منظور استیفای این حق؛

الف. آموزش و پرورش باید اجباری باشد و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد.

ب. آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف از جمله آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای متوسطه باید تعمیم یابد و به کلیه وسایل مقتضی به ویژه از طریق معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش رایگان در دسترس عموم قرار گیرد.

ج. آموزش و پرورش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی به ویژه از طریق معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش رایگان به تساوی کامل بر اساس استعداد هر کس در دسترس عموم قرار گیرد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

د. آموزش و پرورش پایه باید حتی‌الامکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدایی بوده یا آن را تکمیل نکرده‌اند تشویق و تشدید شود.

ه. توسعه شبکه مدارس در کلیه مدارج باید فعّالانه دنبال شود و نیز باید یک ترتیب کافی اعطای بورس‌ها برقرار گردد و شرایط مادّی معلّمان باید پیوسته بهبود یابد...».

طبیعتاً نمی‌توان از بخش خصوصی و بازار، انتظار ارائه آموزش و پرورش «رایگان» را داشت. در واقع می‌توان این موضوع را از مصادیق نارسایی بازار دانست. فلذا در این موضوع دولت‌ها مکلف به ارائه خدمات رایگان می‌باشند. همچنین تأمین وصف «اجباری» در خصوص این حق، مستلزم مداخله قدرت حاکمیت است و بدون وجود چنین قدرتی، نمی‌توان اجبار و الزام آموزش و پرورش رایگان را محقّق کرد. فلذا توسعه آموزش و پرورش رایگان و اجباری نیازمند ارائه خدمات متناسب از سوی دولت‌ها است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ابتدا در بند ۳ اصل سوم بر آموزش و پرورش رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی تأکید داشته و در ادامه و در قالب اصل سی‌ام مقرر نموده است که «دولت موظّف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملّت تا پایان دوره متوسّطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحدّ خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». همچنین بند ۱ اصل چهل و سوم تأمین آموزش و پرورش را به عنوان یک «نیاز اساسی» از ضوابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دانسته است. بنابراین گذشته از برخی سیاست‌های قابل تأمل در خصوص توسعه آموزش و پرورش غیردولتی، زمینه‌های بنیادینِ هنجاری در خصوص حق بر آموزش و پرورش در نظام حقوق اساسی ایران فراهم است.

۷-٤. خدمات عمومی؛ لازمه تحقّق حق بر محیط زیست سالم

یکی از نیازهای اساسی و اولیه هر انسانی، بهره‌مندی از شرایط سالم زیست‌محیطی برای حیات است. در واقع «حمایت از بهبود محیط زیست از جمله نیازهای بنیادین زندگی انسانی است» (Pathak, 1992: 209). بر این اساس، حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر، بر حق شهروندان نسبت به زندگی در محیط زیستی سالم تأکید دارد. این حق، با حق حیات، حق بر سلامت، حق بر توسعه و... ارتباطی تنگاتنگ دارد.

پر واضح است که سالم‌سازی و حفظ سلامت محیط زیست مستلزم اتّخاذ تدابیر و انجام اقداماتی از سوی دولت‌ها است که می‌توان از آن‌ها تحت عنوان «خدمات زیست‌محیطی» یاد کرد. البته همان‌گونه که از ماهیت نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی) بر می‌آید، این حقوق به صرف ارائه خدمات از سوی دولت ملّی تأمین نخواهد شد، بلکه همکاری بین‌المللی را می‌طلبد. با این حال لزوم همکاری بین‌المللی و چندجانبه، نافی ارائه خدمات متناسب از سوی دولت ملّی نیست. از جمله این خدمات می‌توان به مدیریت

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

پسماندها، فاضلاب، توزیع متناسب حقّابه‌ها، محیط‌بانیِ حیات وحش، جنگل‌ها، مراتع و بیابان‌ها، مبارزه با آلودگی هوا، آب، خاک و... اشاره کرد.

در حقوق ایران، اصل ۵۰ قانون اساسی حفاظت از محیط زیست را تکلیفی عمومی دانسته است. بر این اساس دولت نیز در حفاظت از محیط زیست، مسئول است. بنابراین گذشته از برخی اقدامات اجرایی که آسیب‌هایی جدّی و بعضاً جبران‌ناپذیر را به محیط زیست ایران وارد کرده‌اند، زمینه‌های بنیادینِ هنجاری در خصوص حق بر محیط زیست سالم در نظام حقوق اساسی ایران فراهم است.

۸-٤. خدمات عمومی؛ لازمه تحقّق حق بر امنیت

امنیت به لحاظ لغوی به معنای ایمن شدن و در امان بودن است (معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲). از حیث مفهومی نیز «امنیت بحثی کلی درباره پی‌گیری رهایی از تهدید است» (بوزان، ۱۳۸۷: ۳۳). فلذا با رویکردی حقوقی، می‌توان امنیت را مصونیت حقوق از تعرّض و تضییع دانست. فلذا هر اقدامی که تهدیدکننده و ناقض حقوق باشد، مخلّ امنیت شناخته می‌شود. در این رویکردِ حداکثری به مفهوم امنیت، همه حقوق انسانی موضوعیت پیدا می‌کنند. چه حقوق مدنی و سیاسی و چه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. فلذا حق بر امنیت به منزله تضمین همه حقوق است. چه این که حق بر امنیت امروزه فقط ناظر بر امنیت فیزیکی نیست و بر الزامات اقتصادی و اجتماعی امنیت تأکید دارد. بنابراین باید پذیرفت که امنیت انسانی دارای دو بُعد است: رهایی از ترس و رهایی از نیاز (رهامی، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

با توجه به این که خدمات عمومی موضوعاً ناظر بر رفع نیازهای عمومی است، ارائه خدمات عمومی عمدتاً ناظر بر تأمین بُعد دوم امنیت یعنی «رهایی از نیاز» است. با این تحلیل، هر خدمت عمومی از آنجا که رفع‌کننده یک نیاز عمومی است، اقدامی در راستای امنیت عمومی تلقّی می‌شود. به عنوان مثال، ارائه خدمات آب‌رسانی از آنجا که سبب رهایی از نیاز به آب آشامیدنی سالم است، نوعی تضمین این حق و در راستای امنیت تلقّی می‌شود. فلذا در صورت فقدان چنین خدمتی، رهایی از نیاز به آب سالم و بهداشتی تحقق نیافته و مصداقی از مصادیق امنیت، نقض شده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هم به بُعد نظامی امنیت تأکید دارد (بند ۱۱ اصل سوم) و هم با تصریح به مصونیت حقوق اشخاص (اصل بیست و دوم) بر معنای حداکثری امنیت به طور کلی تأکید نموده است.

۹-٤. خدمات عمومی؛ لازمه تحقّق حق بر توسعه

طبق ماده ۱ اعلامیه حق بر توسعه مصوب ۱۹۸۶ «هر فرد انسانی و همه ملت‌ها حق برخورداری از توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در آن به طور کامل تأمین

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

شود را دارند». حق بر توسعه به عنوان یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی) عرصه‌ای غیرقابل انکار برای تحلیل حق بر بهره‌مندی از خدمات عمومی است. چرا که توسعه همه‌جانبه، بدون رفع نیازهای عمومی جامعه که موضوع خدمات عمومی است، امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارت دیگر با توجه به این که پیشرفت جوامع «...عمدتاً از طریق ارائه خدمات عمومی توسط دولت‌ها صورت می‌گیرد، امروزه دولت‌ها وظایفی در خصوص پیشبرد توسعه نیز یافته‌اند» (رهامی، ۱۳۹۳: ۱۹۰). به این لحاظ بند ۱ ماده ۲ اعلامیه حق بر توسعه مصوب ۱۹۸۶ مقرر داشته است که دولت‌ها مسئولیت اصلی ایجاد شرایط ملّی و بین‌المللی مساعد برای تحقّق حق توسعه را بر عهده دارند. به این ترتیب لازمه تحقّق و تضمین حق بر توسعه، رفع نیازهای عمومی (ارائه خدمات عمومی) است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح مستقیمی به «حق بر توسعه» ندارد، اما برخی اصول به صورت ضمنی، مفیدِ این حق هستند؛ به طور مثال بند ۷ اصل چهل و سوم بر «استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور» تأکید نموده است. قسمت اخیر اصل چهل و چهارم نیز حمایت از مالکیت‌های بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی را منوط به «رشد و توسعه اقتصادی کشور» کرده است. بنابراین زمینه‌های بنیادینِ هنجاری در خصوص حق بر توسعه در نظام حقوق اساسی ایران فراهم است.

نتیجه‌گیری

علیرغم این واقعیت که احترام به حاکمیت‌های داخلی یکی از اصول حقوق بین‌الملل است[۱]، الزامات حقوق بشری را می‌توان از جمله مهم‌ترین محدودیت‌های وارده بر حاکمیت‌های ملّی در دوران معاصر دانست که بارزترین جلوه آن را می‌توان در ادبیات دکترین «مداخله بشردوستانه»[۲] دید. امروزه از یک‌سو فشارهای سیاسی و معنوی ناشی از غلبه گفتمان حقوق بشری و از سوی دیگر ماهیت معاهده‌ای بسیاری از موازین حقوق بشر، صلاحیت‌های حاکمیت‌های ملّی را محدود می‌کند. فلذا استناد به قوانین داخلی برای فرار از مسئولیت در قبال حقوق بشر، دفاعی غیرمشروع و ناموجه تلقی می‌شود. چه این که ماده ۲۷ معاهده ۱۹۶۹ وین مقرر داشته است که «طرف‌های معاهدات نمی‌توانند به قانون داخلی برای توجیه عدم اجرای قراردادی که بر آن توافق کرده‌اند متمسّک شوند».

---

۱. بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد یکی از اصول عملکردی سازمان ملل و اعضاء آن را به این شرح بیان نموده است: «هیچ‌یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید...».

2. Humanitarian intervention

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

در عرصه خدمات عمومی نیز این الزامات حقوق بشری موضوعیت دارد. به این معنا که ارائه خدمات عمومی توسط حاکمیت‌های ملّی یکی از موضوعاتی است که در سایه الزامات حقوقی و سیاسی حقوق بشر معاصر، عرصه یکّه‌تازی و صلاح و صوابدید مطلق حاکمیت‌های ملّی نیست. بلکه حاکمیت‌های داخلی ملزم به رعایت الزامات حقوق بشری در رفع نیازهای عمومی و ارائه خدمات عمومی هستند. در این راستا دکترین «حاکمیت مسئول»[1] موضوعیت می‌یابد؛ طبق این دکترین، دولت‌ها در برابر حقوق بشر و الزامات آن، مسئولیت دارند. این مسئولیت در خصوص رفع نیازهای عمومی، جنبه ایجابی پیدا می‌کند (تعهدات مثبت[2]) و نهایتاً به لزوم ارائه و مدیریت خدمات عمومی به عنوان مقدّمه و لازمه تحقّق بسیاری از مصادیق حقوق بشر، منتج می‌شود.

در نظام حقوقی ایران نیز زمینه‌های بنیادین هنجاری برای حمایت از حقوق بشر از رهگذر تأمین خدمات عمومی متناسب، فراهم است؛ در قانون اساسی ایران، بسیاری از مصادیق خدمات عمومی که متضمّن حق‌هایی بشری هستند به صراحت پیش‌بینی شده است؛ به‌طور مثال حق بر آموزش و پرورش، حق بر سلامت، حق بر محیط زیست سالم، حق بر کار و... که تحقق آن‌ها جز با ارائه خدمات عمومی مناسب، امکان‌پذیر نمی‌باشد. بنابراین رویکرد حقوق بشری به خدمات عمومی در حقوق داخلی ایران می‌تواند بسیار مفید واقع شده و با مقابله با برخی سیاست‌ها و اقدامات اجرایی و با متعهد ساختن دولت نسبت به ارائه خدمات عمومی مناسب، در تحقق مصادیق حقوق بشر مؤثر واقع شود.

1. Responsible Sovereignty
2. Positive Obligations

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

کتاب‌ها

۱. بوزان، باری (۱۳۸۷)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران
۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، مبانی حقوق عمومی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان
۳. معین، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، چاپ ششم، انتشارات امیرکبیر، تهران،
۴. یاسپرس، کارل (۱۳۷۲)، کانت، ترجمه میرعبدالحسین نقیب‌زاده، نشر طهوری
۵. ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰)، مبانی نظری و ساختاری دولت حقوقی، تهران: انتشارات جنگل

مقالات

۱. الوانی، سید مهدی و دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۰)، «مدیریت دولتی و اعتماد عمومی»، دانش مدیریت، سال چهاردهم، شماره ۵۵
۲. امیرارجمند، اردشیر و همتی، مجتبی (۱۳۸۶)، «بررسی و تحلیل تضمینات حقوق اقتصادی و اجتماعی بین‌الملل (حقوق رفاهی) در نظام‌های حقوقی داخلی»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۳
۳. بشیری، عباس و شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۰)، «حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی (رویکردی اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب)»، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۴۸
۴. حبیب‌زاده، توکّل و سیفی، حافظه (۱۳۹۲)، «تأثیر حکمرانی مطلوب بر اجرایی شدن حق بر توسعه با تأکید بر بعد ملّی»، فصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۶۲
۵. جاوید، احسان و نیاورانی، صابر (۱۳۹۲)، «قلمرو حق سلامتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۱
۶. جلالی، محمد و کرمی، حامد (۱۳۹۳)، «تمایز میان اموال اشخاص عمومی در حقوق فرانسه»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۲
۷. درخشه، جلال و سرخیل، بهنام (۱۳۹۳)، «پیشبرد حقوق بشر در عرصه نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی (رویکرد فرهنگی)»، مطالعات فرهنگ- ارتباطات، سال پانزدهم، شماره ۲۵
۸. رحمت‌اللهی، حسین و نجارزاده هنجنی، مجید (۱۳۹۵)، «مبانی لزوم اِعمال حاکمیت دولت بر بنگاه‌های خصوصی‌شده متولّی خدمات عمومی»، دو فصلنامه حقوق اداری، سال سوم، شماره ۱۱

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

۹. رهامی، روح‌الله (۱۳۹۳)، «بررسی وظیفه دولت‌ها در حفظ امنیت فردی انسان‌ها»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲
۱۰. زارعی، محمد حسین (۱۳۸۳)، «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰
۱۱. زارعی، محمدحسین و نجارزاده هنجنی، مجید (۱۳۹۶)، «مفهوم خدمات عمومی و تحوّل آن در پرتو دکترین خدمات عمومی»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۹، شماره ۵۶
۱۲. زمانی، سیدقاسم و غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۹۶)، «تحریم‌ها به مثابه نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حمایت از حقوق بشر»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره چهلم
۱۳. شریف‌زاده، فتاح و قلی‌پور، رحمتا... (۱۳۸۲)، «حکمرانی خوب و نقش دولت»، فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره چهارم
۱۴. قلی‌پور، رحمتا.. (۱۳۸۳)، «تحلیل و امکان سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت»، دانش مدیریت، شماره ۶۷
۱۵. ویژه، محمدرضا (۱۳۸۳)، «مفهوم تعهدات مثبت در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۳

ب. انگلیسی

Books

1. Habermas, J. (1971), Knowledge and Human Interests, Translated by J. J. Shapiro, Boston: Beacon Press.
2. Hartley, Dean (1988), Welfare, Law and Citizenship, first published, university of Luton.
3. Pathak, R.S. (1992), The Human Rights System as a Conceptual Framework for Environmental Law in Weiss, E.B(ed.), Environmental Change and International Law, United Nations University Press.
4. Peters, B.Guy (1996), The Future Of Governing For Emerging Models, University Of Kensas Press.

Articles

1. Bilouseac, Irina (2012), "Doctrinaire Controversies On The Concept Of Public Services", The USV Annals Of Economics And Public Administration, Volume 12, Issue 1(15).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]

2. Cabrol, Sandro and Lazzarini, Sergio G. and Furquim De Azevedo, Paulo (2013), "Private Entrepreneurs In Public Services: A Longitucinal Examination Of Outsourcing And Statization Of Prisons", Strategic Entrepreneurship Journal, 7.
3. Jing, Yijia (2010), "Prison Privatization: A Perspective On Core Governmental Functions", Crime Law Soc Change, 54.
4. Matei, Ani and Camelia, Gaita (2015), "Public Services In Romania And Its Role In The Development Of The Administrative Capacity", Procedia Economics and Finance, 23.
5. Ngowi, Honest Prosper (2008), "Privatization and Agentification of Public Services Delivery in Africa: Extent and Managerial Leader ship Implications in Tanzania", Africa Development, Vol.XXXIII, No.4.
6. Raadschelders, Jos C.N. (1999), "A Coherent Framework For The Study Of Public Administration", Journal Of Public Administration Research And Theory, Vol.9, No.2.
7. Stowe, Kenneth (1992), "Good Piano Would not Play Bad Music: Administrative Reform and Good Governance", Public Administration, Vol. 70.
8. Thomas, C.W (1998), "Maintaining and Restorting Public Trust in Government Agencies and Their Employess", Administration And Society, Vol.30, Issue.2.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.215]